

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دهم، شماره هجدهم، بهار ۹۸، صفحات ۱-۲۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۰

پیامدهای اشغال ایران در جنگ جهانی دوم بر اقتصاد صنعتی ایران

مرجان برهانی ۱

سیدمحمد طیبی ۲

چکیده

هجوم نیروی انگلیس، شوروی و آمریکا در شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱ م.) به ایران و استعفای رضاشاه، منجر به ورود این کشور به جنگ ناخواسته‌ای گردید که تبعات مختلفی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در پی داشت و این تبعات اثر عملی خود را به سرعت در وجوه مختلف جامعه نشان داد. در این تحقیق، تسلط دول خارجی بر صنایع کشور به‌عنوان نمونه‌ای از این تبعات مورد ارزیابی و پژوهش قرار گرفته است. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با به کارگیری اسناد آرشیوی، در پی پاسخ به این پرسش است که پیامدهای حضور متفقین بر اقتصاد صنعتی ایران چه بود؟ بر اساس یافته‌های پژوهش، متفقین با انعقاد پیمان سه جانبه، زمینه دخالت مستقیم خود را در امور مربوط به صنایع ایران فراهم نمودند که این مداخله موجب تعطیلی برخی از کارخانجات، عدم فروش محصولات تولیدی و ظلم و اجحاف به طبقه کارگر صنعتی گردید و نهایتاً منجر به بروز بلواها و اعتصابات متعدد کارگری شد.

واژگان کلیدی: ایران، جنگ جهانی دوم، متفقین، صنایع، اعتصابات.

۱- دانش آموخته دکتری تاریخ ایران از دانشگاه شهید بهشتی، تهران- ایران (نویسنده مسئول)

Marjan.borhani62@gmail.com

m.tayybi@uk.ac.ir

۲- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر، کرمان- ایران

The Consequences of Iran's Occupation in World War II on the Industrial Economy of Iran

M. Borhani¹

S. M. Tayybi²

Abstract

The invasion of Iran by the Soviet Union and the United States in August 1920 and the resignation of Reza Shah led to the country's unwanted war which had various consequences in the political, economic and social fields. These consequences had practical effects in various aspects of the society. In this research, the dominance of the foreign governments on the country's industries has been evaluated as an example of these consequences. The present paper implements a descriptive-analytical method and uses archival documents to answer this question: What were the consequences of the Allied presence on the industrial economy of Iran? According to the research findings, the Allies, by concluding a tripartite agreement, provided their direct involvement in the affairs of the Iran industries, which resulted in the closure of some factories, the failure to sell the manufactured products and oppression to industrial workers, and eventually led to the emergence of numerous riots and strikes.

Keywords: Iran, World War II, the Allies, Industry, Strikes.

1 - Ph.D. in History of Iran from Shahid Beheshti University, Tehran-Iran
Marjan.borhani62@gmail.com

2 - Associate Professor, Department of History, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran
m.tayybi@uk.ac.ir

مقدمه

در نخستین روز تیر ۱۳۲۰ (۲۲ ژوئن ۱۹۴۱)، ارتش نازی حمله بزرگ خود را به شوروی آغاز کرد و با زیر پا نهادن پیمان عدم تعرض ۳۱ مرداد ۱۳۱۸ (۲۳ اوت ۱۹۳۹) به تمام جهانیان مسلم گشت که دوره احترام به میثاق‌های مودت و بی‌طرفی پایان یافته است. اهمیت تهاجم آلمان در این بود که با تلافی ارتش‌های آفریقایی دول محور و ارتش روسیه، چاه‌های نفت قفقاز تسخیر گشته و سپس با قطع منابع انرژی و به‌ویژه تصرف هندوستان، قدرت انگلیس در هم شکسته می‌شود. دامنه خطر مشترک چنان وسیع بود که دولت روسیه و انگلیس با وجود داشتن اختلافات شدید عقیدتی و اقتصادی بر آن شدند که در جبهه‌ای واحد در مقابل سیل ارتش مهاجم آلمان ایستادگی کنند. در نخستین روزهای حمله بزرگ، ارتش سرخ واپس نشینی آغاز نهاد و ارتش مهاجم آلمان پیشروی خود را تا پشت دروازه‌های لنینگراد و مسکو ادامه داد. در روز ۶ تیر ۱۳۲۰ (۲۷ ژوئن ۱۹۴۱) یعنی پنج روز بعد از حمله آلمان به شوروی، سراستافورد کریپس^۱ سفیر انگلستان مذاکراتی در زمینه همکاری بین دو کشور با مولوتف^۲ وزیر امور خارجه شوروی به عمل آورد. نتیجه این مذاکرات امضاء موافقتنامه ۲۱ تیر ۱۳۲۰ (۱۲ ژوئیه ۱۹۴۱) بود که دو دولت مزبور متعهد شدند هرگونه یاری لازم را در جنگ با آلمان به همدیگر بنمایند و بدون رضایت طرفین هیچ نوع اقدامی در خصوص متارکه جنگ به عمل نیاورند. دولت آمریکا نیز به جبهه متحدین دوگانه پیوست. بنابراین سفرای دو دولت انگلیس و آمریکا با مارشال استالین نخست وزیر شوروی ملاقات نموده و او را به یاری‌های کشورهای خود دلگرم ساختند. به دنبال این اقدام، تجدید حیات و ترمیم ضایعات ارتش سرخ سرلوحه مذاکرات قرار گرفت و تصمیم بر آن شد که اسلحه، مهمات و مواد غذایی با شتاب هرچه تمام‌تر به سوی شوروی گسیل گردد. برای دستیابی به این مقصود، راه‌های دریایی مورمانسک و ولادی وستک مورد توجه قرار گرفتند اما مراقبت پیگیر زیر دریایی‌های آلمان و دوری مسافت موانع جدی این راه به‌شمار می‌آمد. بسته بودن بغازها و عدم دسترسی بدانها، دولت‌های یاری کننده را در نقض بی‌طرفی صریح ایران جدی‌تر ساخت. سیاست بی‌طرفی ایران که قبلا اعلام گردیده و عملا در تمام سطوح

1- Staffordclips

2- Vyacheslav Molotov

سیاسی و نظامی به‌طور کامل رعایت می‌شد، نمی‌توانست نقطه ابهامی باقی گذارد. لیکن دولت انگلیس که مایل بود به هر بهایی خطوط ارتباطی بین خلیج فارس و مرزهای شوروی را حفاظت کرده، مهمات و وسائل جنگی مورد نیاز ارتش شوروی را فراهم کند، راه ایران را بدین منظور پیشنهاد نمود. بدین‌گونه بی‌طرفی ایران نادیده گرفته شد و با هجوم نیروهای آمریکا، انگلیس و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱م) و سقوط حکومت پهلوی اول، ایران به اشغال دول متفق درآمد. حضور تحمیلی آنان در کشور، تبعات مختلفی در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در پی داشت و علاوه بر اینکه از لحاظ روانی و ذهنی، موجب نارضایتی‌های مردمی گردید، آثار عملی خود را نیز در امور عینی جامعه بر نهاد. کشور ایران در تمام مدت جنگ هم از نظر سیاسی و نظامی و هم تسهیل حمل و نقل مهمات، و مواد غذایی و دارویی کمک‌های شایان توجه‌ای به متفقین نمود. برطبق اسناد موجود، اشغال ایران توسط متفقین پیامدهای بیشماری در بخش صنعتی به‌عنوان یکی از بخش‌های حیاتی اقتصاد ایران به همراه داشت و در این میان مردم را با مشکلات و سختی‌های بسیاری مواجه نمود. اگرچه در سال‌های اخیر پرداختن به جنگ جهانی دوم و بررسی علل، زمینه‌ها و نتایج حاصل از آن روند رو به رشدی داشته است، اما هنوز بسیاری از اسناد و مدارک مربوط به ایران در بایگانی مراکز اسنادی به‌صورت داده حفظ می‌شود که پرداختن به این اسناد می‌تواند روایت روشنی از وضع ایران دوره جنگ و پس از آن در اختیار ما قرار دهد. هدف پژوهش حاضر این است که با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران و سازمان اسناد ملی ایران، از دریچه اقتصاد صنعتی به بررسی شرایط ایران در این برهه حساس بپردازد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است: اثرات اشغال بر وضعیت صنایع ایران چگونه بوده است؟ دولت ایران در قبال آسیب‌های وارده به صنایع چه واکنشی نشان داد؟ در این پژوهش، کوشش می‌شود با استناد به اسناد و توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی، پاسخ روشنی برای سؤالات مذکور ارائه گردد. یکی از دشواری‌های اصلی در این پژوهش که محقق با آن مواجه گشت، پیشینه تحقیق بود. غالب نویسندگانی که در خصوص دوره پهلوی به‌طور اعم و وضعیت ایران در جنگ جهانی دوم به‌طور اخص نگاشته‌اند به مبحث صنعت توجه اندکی نشان داده‌اند. از این رو تألیف مستقلی در این باره هنوز به رشته تحریر در نیامده است. عدم وجود نگارش مستقلی در خصوص موضوع

پژوهش، نگارنده را واداشت تا در پی حل مسأله از طریق اسناد آرشیوی باشد. اسناد موجود در آرشیو سندی وزارت امور خارجه و مجموعه اسناد ملی ایران مهمترین اسناد استفاده شده در این مقاله است. به خصوص اسناد وزارت خارجه که غالباً در خصوص خسارت‌های ناشی از جنگ، آمار و ارقام، و ارتباط با دول خارجی است، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مطبوعات دوره پهلوی به‌ویژه روزنامه‌ها، مجلات و سالنامه‌هایی که به‌طور تخصصی به مسائل اقتصادی و مسائل مربوط به جنگ پرداخته‌اند و برخی از آنها زائیده همان برهه زمانی بودند، در تدوین مقاله جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. از میان روزنامه‌ها «اطلاعات»، «رعد» و «باختر» در تدوین مقاله سهم داشتند. اما مجلات اقتصادی و سالنامه‌ها از دیگر جرایدی بودند که به دلیل تخصصی بودن موضوعشان بسیار مفید واقع شدند. «مجله اقتصاد» که توسط وزارت بازرگانی، پیشه و هنر منتشر می‌گردید، اوضاع اقتصادی کشور را در شهرهای مختلف و از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داده است و به صنایع نیز در این راستا به‌عنوان یکی از وجوه مهم اقتصادی توجه ویژه‌ای داشته است. «نامه اقتصاد و بازرگانی» انتشارات وزارت بازرگانی و پیشه و هنر، از دیگر جراید مهم اختصاصی است که در این پژوهش استفاده شده است. دو مقاله نیز درباره وضعیت صنایع در دوره مورد بررسی موجود است؛ یکی تحت عنوان «وضع صنایع ایران در جنگ دوم جهانی» که توسط آقای صدر نبوی در سال ۱۳۶۹ نوشته شده که به‌طور اجمالی به این مسأله پرداخته است. مقاله دیگر توسط آقای شجاعی دیوکلائی تحت عنوان «پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی در ایران» در سال ۱۳۸۹ نوشته شده و تکیه اصلی آن بر اصلاحات رضاشاه در زمینه صنعتی سازی ایران است که در ضمن آن پیامدهای جنگ بر این سیاست را بررسی کرده است. مقاله پیش رو تلاش کرده با ذکر جزئیات بیشتری صنایع ایران و تبعات حاصل از اشغال را مورد بررسی قرار دهد؛ از این رو تلاش جدیدی در این زمینه می‌باشد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، اسناد و منابع اصلی دوره مورد نظر شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۱- ایران در آستانه صنعتی شدن

صنعتی شدن ایران با دوره پهلوی پیوند نزدیکی دارد تا پیش از این دوره تمامی

تلاش‌هایی که برای صنعتی کردن ایران صورت می‌گرفت جزئی و اندک بود و بیشتر جنبه دستی و هنری داشت (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۷۴). در دوره عباس میرزای ولیعهد، ارتش ایران برای مقابله با روس‌نوسازی شد و از جمله اقداماتی که در این زمینه انجام گرفت، ایجاد کارخانه توپ ریزی و تفنگ‌سازی در آذربایجان بود (آدمیت، ۱۳۸۴: ۲۸۰). در دوره امیرکبیر این واحدها نوسازی شد و در امیرآباد تهران کارخانه مهمات‌سازی احداث گردید (همان، ۲۹۰). نقشه امیر در بنای صنعت جدید شامل استخراج معادن، ایجاد کارخانجات مختلف، استخدام استادان فنی از انگلیس یا روس و فرستادن صنعتگران به روسیه، خرید کارخانجات از فرنگ و حمایت از محصولات داخلی بود. در این دوره دو کارخانه شکرریزی، سه کارگاه بلورسازی، دو واحد چینی‌سازی، دو کارخانه پارچه‌بافی و یک کارخانه ریسمن ریزی و یک کارخانه کاغذسازی در کشور احداث شد (همان، ۳۸۵-۳۸۶). گذشته از این کارخانه‌های نسبتاً بزرگ، چند کارخانه متوسط و کوچک نیز در طی سه دهه منتهی به جنگ جهانی اول از سوی تجار و مقامات ایرانی تاسیس گردید (جمالزاده، ۱۳۸۴: ۹۳-۹۵) در سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی به دلیل تحمیل قراردادهای گمرکی کشورهای روس و انگلیس و رعایت دولت‌های کامله‌الوداد در مورد سایر کشورها، اجناس ساخته شده خارجی به بازار ایران سرازیر شد و صنایع دستی و سنتی ایران را به ورشکستگی کشاند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۳۹۹) هنگامی که رضاخان اداره امور را به دست گرفت فقط یک کارخانه قند در کهریزک و چند کارخانه نخ‌ریسی در تهران و تبریز به‌جای مانده بود. پس از اینکه وی همه مخالفان را سرکوب کرد و مهار حکومت را به‌طور کامل به دست گرفت، عده‌ایی از مهندسیین و کارشناسان آلمانی را برای طرح توسعه صنایع ایران به این کشور دعوت کرد. در سال‌های ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ (۱۹۳۰-۱۹۲۹) سیل کالاهای صنعتی و مولد از انگلیس و آلمان به ایران سرازیر شد و این روند تا سال‌های ۱۳۱۸-۱۳۱۹ (۱۹۴۰-۱۹۳۹) ادامه یافت (صدرنوبی، ۱۳۶۹: ۶۸). در سال ۱۳۱۱ قوانینی به منظور حمایت از صنایع تصویب شد که منجر به افزایش قابل ملاحظه تعداد بنگاه‌های صنعتی در ایران گردید (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲، کارتن ۱۲، پرونده ۵۴، شماره سند ۱۵). بر طبق آمار مجله اقتصاد در سال‌های آغازین اشغال، در ایران ۳۱ کارخانه ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه، یک کارخانه حریربافی، یک کارخانه چیت‌سازی، ۲۵ کارخانه جوراب و کش بافی، ۱۳

کارخانه صابون‌سازی، ۱۳ کارخانه مشروب‌سازی، ۷ کارخانه کبریت‌سازی، یک کارخانه عینک‌سازی، ۴ کارخانه حلاجی پشم، ۴ کارخانه کیسه و گونی بافی، دو کارخانه بند پوتین و نوارسازی، یک کارخانه بلورسازی، دو کارخانه تخت‌خواب‌سازی، دو کارخانه واکس‌سازی، یک کارخانه تولید پنبه هیدروفیل، یک کارخانه مقواسازی، یک کارخانه سقزسازی و ۷ کارخانه چرم‌سازی وجود داشت (کسمایی، ۱۳۲۱: ۳۷-۳۸). بنابراین دهه ۱۳۱۰ (۱۹۳۱) دهه ایجاد صنایع اساسی و پایه در کشور است. این صنایع مخصوصاً برای تولید قند، شکر و پارچه ایجاد گشت و اقدامی در جهت کسب استقلال اقتصادی ایران از تسلط روسیه بود که دو سوم تجارت خارجی ایران را در دست داشت و همین کالاها گاهی تا ۷۱ درصد واردات ایران را تشکیل می‌دادند. این کارخانه‌ها در نقاط مختلف کشور به‌ویژه در تهران و مناطق شمالی کشور احداث گردید (رشیدی، ۱۳۷۰: ۵۱). به دنبال افزایش کارخانه‌ها، شمار کارگران غیر سنتی نیز فزونی یافت. تعداد کارگران صنعت نفت و کارخانه‌های بزرگ و کوچک مدرن، شیلات خزر، راه آهن، معادن ذغال سنگ، کارگران فصلی بخش ساختمان‌سازی در مجموع به ۱۷۰۰۰۰ نفر رسید. این رقم به معنای پیدایش یک طبقه جدید کارگر بود. نخستین نسل این کارگران صنعتی از مناطق روستایی آمده بودند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۳).

۲- صنعتی سازی در دوران رضاشاه

هر چند آغاز سیاست گذاری در جهت بکارگیری صنایع جدید در ایران به پیش از آغاز حکومت پهلوی بازمی‌گردد، لیکن غالب این سیاست‌ها و برنامه‌ها به مرحله عمل نرسید و تنها با روی کار آمدن رضاشاه بود که روند صنعتی شدن ایران عملی شده، وارد مرحله جدیدی گردید و عصر نخستین شاه پهلوی به‌عنوان نقطه اوج صنعتی سازی در ایران تا پیش از آغاز جنگ جهانی دوم شناخته شد.

بدون تردید یکی از اقدامات اساسی و مهم در دوره رضاشاه تأسیس کارخانجات نساجی می‌باشد. فن بافندگی از دیر زمانی در ایران معمول بوده و در غالب شهرهای ایران مانند یزد، کاشان، رشت و کرمان پارچه‌های دستی بافته می‌شد. کارخانه حریربافی چالوس در مرداد ۱۳۱۶ (اوت ۱۹۳۷) بهره‌برداری شده و انواع مختلف حریر را در دسترس عامه قرار داد. به‌طوری که در سال بیش از ۳۵۰ هزار متر پارچه تولید می‌کرد. این کارخانه به مبلغ

۲۲۲۹۴۴۲۱ ریال از فرانسه خریداری شد که مبلغ ۷۷۴۰۲۷۶ هم برای ساختمان‌های آن مصرف گردید (کیوانی، ۱۳۲۱: ۱۱-۱۲).

صنعت پنبه پاک‌کنی و نخ‌ریسی که وابسته به پارچه‌بافی بوده و در حقیقت رکن اصلی آن به‌شمار می‌آید، در این دوره پایه‌گذاری شد (صدرنبوی، ۱۳۶۹: ۶۹). در سال ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) کارخانه گونی‌بافی شاهی تأسیس گردید و مقداری ماشین آلات به بهای ۸۳۱۹۵۴۲۲ ریال از دولت انگلستان خریداری شد و بیش از ۴۶۹۶۸۹۴ ریال صرف هزینه‌های ساختمانی گشت. این کارخانه در سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) در حدود ۲۲۳۳۰۰۰ متر پارچه کنفی، بیش از ۴۵ تن نخ قند و ۵ تن طناب تولید کرد (احتامی، ۱۳۲۱: ۱۳). صنعت نساجی در دوره رضاشاه به حدی پیشرفت کرد که در سال‌های آخر پیش از وقوع جنگ جهانی گمان می‌رفت به زودی ایران از ورود هر نوع پارچه خارجی بی‌نیاز گردد (زنگی آبادی، ۱۳۸۷: ۶۷).

از دیگر صنایع توسعه یافته در ایران مقارن جنگ جهانی دوم، صنعت کبریت‌سازی است. این کارخانه ملی در سال ۱۳۱۳ قمری (۱۹۱۳) تأسیس گردید و خیلی زود سرمایه خود را از یک میلیون به سه میلیون ریال افزایش داد. محصولش از یک میلیون قوطی کبریت روزانه تجاوز می‌نمود و حدود ۵۰۰ نفر از مردم با کار در این کارخانه گذران زندگی می‌نمودند (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۸، کارتن ۱۶، پرونده ۳۵۲، شماره سند ۱۱۸). طبق قانون مصوب نوزدهم اسفند ۱۳۱۰ شمسی (۱۰ مارس ۱۹۳۲) حق انحصار ورود و همچنین خرید و فروش کبریت به دولت واگذار شد و درآمد آن نیز بعد از وضع سرمایه و عوارض به جمع درآمد عمومی کشور منظور می‌گردید (سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰۰۱۰۷۰۳، محل در آرشیو ۷۰۲ط۱۱آ، سند شماره ۱۰۳).

نخستین کارخانه بزرگی که برای ساخت صابون در ایران برپا گشت، کارخانه گلیسیرین و صابون‌سازی در نزدیکی شهر ری بود که در مرداد ۱۳۱۶ تأسیس و تا خرداد ۱۳۱۹ به بهره‌برداری رسید. از سه قسمت تهیه گلیسیرین، شمع‌سازی و صابون‌سازی تشکیل شده بود و به‌وسیله یک رشته راه‌آهن فرعی به خط آهن سراسری ایران اتصال می‌یافت (کیوانی، ۱۳۲۱: ۷).

روزنامه لوکومرس دولوان چاپ بیروت در شماره ۹۶۱ مورخ ۱۹ مارس ۱۹۴۰ (۲۸ اسفند ۱۳۱۸) شرحی زیر عنوان فرآورده‌های قند ایرانی نگاشته است که بر اساس مندرجات آن کارخانه‌های جدید قند ایران در سال ۱۹۳۳ (۱۳۱۱) تأسیس گشته‌اند و در آن زمان ایران دارای چهار کارخانه بزرگ قند بوده که مهم‌ترین آنها کارخانه قند مرودشت است. سالیانه در این کارخانه متجاوز از ۱۷۵۱۳۵ تن چغندر مصرف می‌گردید و هر سال نیز معادل ۲۴ هزار تن اضافه می‌شد. جمع محصول این کارخانه‌ها از قند و شکر متجاوز از ۲۵۲۴۱ تن بوده است (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۹، کارتن ۲۵۰۱، پرونده ۲۶، شماره سند ۷۰). کارخانه قند کهریزک در سال ۱۲۷۲ شمسی (۱۸۹۴) به‌وسیله شرکت قندسازی بلژیکی با سرمایه پنج میلیون فرانک تأسیس شد که پس از یک دوره بهره برداری تعطیل گردید و مجدداً در سال ۱۳۱۰ شمسی تعمیر گشته، به راه افتاد و در همان سال اول ۴۱۸ تن قند تولید نمود. به‌طور کلی از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۷ (۱۹۳۲-۱۹۳۹) ۸ کارخانه قند در کهریزک، کرج، شازند اراک، ورامین، شاه آباد، مرودشت، میان‌آب و آبکوه تأسیس گردید که به تولید این محصول به‌صورت فرآورده‌ای ملی پرداختند (صنعت قندسازی، ۱۳۲۱: ۱۲۵).

در خرداد ماه ۱۳۱۵ (مه ۱۹۳۶) با کمک آقای داور وزیر وقت دارایی و نیکپور سرمایه دار، شرکتی به نام شرکت سهامی بلورسازی با سرمایه پنج میلیون ریال تشکیل گردید. مؤسسين آن عبارت بودند از شرکت سهامی بلور، شرکت سهامی تجارتي ایران با دو میلیون ریال سرمایه و بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران با یک میلیون ریال. ۳۷ کارشناس خارجی و ۵۰۰ کارگر ایرانی در این کارخانه مشغول به کار بودند (روزنامه اطلاعات، شماره ۳۸۰۲: ۳۱).

در ۹ اوت ۱۹۴۱ (۱۸ مرداد ۱۳۲۰) روزنامه ترکیش پست^۱ چاپ استانبول از کارخانه توتون و سیگار ایران یاد کرده، از هزینه ۳۶ میلیون ریالی برای ساخت آن سخن می‌گوید و محصول آن را ۱۲ میلیون سیگار، ۱۲ هزار کیلو توتون، ۱۰ هزار کیلو توتون چپق، ۷۰ هزار کیلو سولفات دو نیکوتین و ۳۰ کیلو نیکوتین خالص می‌داند. این در حالی است که تعداد

1- Turkish post

کارگران دائمی این کارخانه ۶۰۰ نفر و کارگران عادی ۱۳۵۰ به علاوه ۳۰۰ نفر مستخدم و خدمه برآورد شده است (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲، کارتن ۵۳، پرونده ۱۵، شماره سند ۵۳).

در دوره رضاشاه به صنایع سنگین نیز اهمیت داده شد. طبق قراردادی که در سال ۱۳۱۶ بین وزارت صنایع ایران و شرکت کروپ آلمان منعقد گردید، قرار شد که آلمانی‌ها در ایران کارخانه ذوب آهن تأسیس کنند. طبق قرارداد، این کارخانه دارای دو کوره، هرکدام به ظرفیت صد و پنجاه تن در روز بود. بخش‌هایی از این کارخانه وارد ایران شد و بقیه آن به واسطه شدت یافتن جنگ و بسته شدن راهها و در نهایت سقوط دولت نازی آلمان به ایران نرسید (صدرنوی، ۱۳۶۹: ۷۱). روزنامه اولوس^۱ چاپ آنکارا مورخ ۲۱ ژانویه ۱۹۴۱ (۱ بهمن ۱۳۱۹) به نقل از خبرگزاری رویتر می‌نویسد که در نتیجه ساخته شدن بنگاه‌ها و کوره‌های متعدد ذوب فلزات در کرج، پیشرفت عمده‌ای در صنعت آهن‌گدازی در ایران حاصل شده است. این روزنامه همچنین از کارخانه آهن‌ریزی در حال تأسیسی یاد می‌کند که در سال ۱۹۳۹ ساختمان آن آغاز گردیده و پیش‌بینی می‌کند که در سال ۱۹۴۲ به اتمام خواهد رسید (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۹، کارتن ۲۵.۱، پرونده ۱۴، شماره سند ۱۲۶). بر طبق اسناد، وزارت پیشه و هنر بنگاهی صنعتی دایر نمود که در آن ماشین آلات ساخته می‌شد. در بنگاه نامبرده آهن‌گدازی، تلمیح نیکل و نقره و ساختن حجم موتورها به عمل می‌آمد و ظاهراً محل آن در دولت آباد ۷ کیلومتری تهران بوده است (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۳، پرونده ۱۵، شماره سند ۲۶).

سیمان‌سازی یکی دیگر از صنایع شکل گرفته در دوره پهلوی است. اولین کارخانه سیمان در تهران تأسیس شد که اداره آن به‌طور کامل بر عهده دولت بود. استعداد تولیدی این کارخانه در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۷) با همکاری کارشناسان و مهندسين آلمانی از ۱۰۰ تن به ۳۰۰ تن در روز افزایش یافت (صدرنوی، ۱۳۶۹: ۷۲).

برق یکی دیگر از صنایع مهم دوره پهلوی است که البته پیش از این دوره، اقداماتی

1- Ulus

برای ورود آن به ایران انجام شده بود به طوری که در آغاز حکومت پهلوی چندین کارخانه برق با حجم تولید محدود در کشور وجود داشت. در سال ۱۳۰۶ شمسی لایحه‌ای در خصوص امتیاز کارخانه برق به مجلس داده شد. هنگام مذاکره حاج سید رضا فیروز آبادی اظهار عقیده کرد که برق را باید آزاد گذارد که هرکس توانایی احداث کارخانه‌ای برای آن را دارد، حق اقدام داشته باشد. لیکن پیشنهاد وی پذیرفته نشد و امتیاز انحصاری تولید برق تهران به شهرداری اعطا گردید. در سال ۱۳۰۸ برای تأمین روشنایی شهر، چند دستگاه چراغ برق خریداری شد. در ابتدا روشنایی تهران با اداره‌ای به نام «دایره روشنایی» بود که به موجب تصویب نامه مهر ۱۳۱۵ (سپتامبر ۱۹۳۶) هیات وزیران، به نام مؤسسه برق نام‌گذاری شد. در سال ۱۳۱۴، بر طبق تصویب نامه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۳ (۸ مه ۱۹۳۴) کارخانه برق جدیدی از چکوسلواکی خریداری شد که اغلب ماشین‌های محرک و مولد برق آن را مؤسسه اشکودا^۱ ساخته بود. مجموع قدرت ماشین‌های محرک برق این کارخانه به ۶۴۰۰ کیلو وات می‌رسید که از نوع جریان برق متناوب و با فشار ۶۳۰۰ ولت بود. این کارخانه در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۱۶ شروع به کار و بهره‌برداری نمود و در درجه اول روشنایی خیابان‌های شهر از آن تأمین می‌شد و سپس امتیاز برق را به مردم واگذار کرد. تا آخر سال ۱۳۱۶ تعداد مشترکین برق تهران به هزار نفر نمی‌رسید، اما پس از تأسیس رادیو، برق رواج بیشتری یافت و به دلیل افزایش تقاضا برای آن، قرارداد دیگری برای خرید کارخانه‌ای جدید با کمپانی اشکودا بسته شد ولی بروز جنگ و اشغال ایران مانع از ورود آن گشت (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۳۸۶-۳۸۹).

صنعت نفت بی‌شک یکی از مهم‌ترین صنایع در ایران است که جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد این کشور داراست. اهمیت اقتصادی، سیاسی و نظامی نفت امروزه در دنیا یکی از مهم‌ترین مسائل روز به‌شمار می‌رود. ایران به‌عنوان یکی از کشورهایی که منابع غنی در زمینه نفت دارد از اهمیت ویژه‌ای برای کشورهای اروپایی برخوردار است و در تمام طول تاریخ نفتی ایران، مجادلات این کشورها بر سر تصاحب نفت ایران به چشم می‌خورد.

نیاز طبقه حاکم به منابع درآمد کافی برای حفظ سلطه طبقاتی و نیاز کشورهای صنعتی

1- Skoda

به منابع کانی در ایران هم آغوشی کرده و یک رشته امتیاز را به دولت‌های روس و انگلیس واگذار کرد (بنی‌صدر، ۱۳۵۶:۲). قراردادهای معروفی چون داری، ۱۹۱۹ انگلیس، ۲۹ آوریل ۱۹۳۳، قرارداد نفت خورین، امتیاز خوشتاریا، قرارداد نفتی سینکدر، قرارداد امیرانین با آمریکا و قرارداد با هلندی‌ها در آستانه جنگ دوم، گواهی بر اهمیت نفت ایران و اختلافات بر سر آن است. تغییرات سیاسی در ایران بدون شک در طریقه اداره نفتی ایران که به‌طور ویژه در دست انگلیسی‌ها بود تأثیر بسزایی داشت. در سال ۱۳۱۰ (۱۹۳۲) با افت شدید درآمد نفت، رضاشاه قرارداد داری را لغو نمود که این اقدام با مخالفت شدید انگلیسی‌ها مواجه گردید و در نهایت با قرارداد مصالحه‌آمیز ۱۹۳۳ خاتمه یافت. آمریکایی‌ها در شمال شرق ایران امتیازی به مساحت امتیاز انگلیس در جنوب تحصیل نمودند و در شمال، روس‌ها در نزدیکی سمنان جای گرفتند. در آستانه جنگ دوم درآمد دولت رضاشاه از نفت ایران به ۱۲ میلیون ریال می‌رسید که تأثیر زیادی بر درآمدهای کشور می‌گذارد (سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۴۰۰۲۸۵۹، محل در آرشیو ۴۰۳۱۱، سند شماره ۱۸). با آغاز جنگ جهانی دوم، اکثریت مردم ایران از وضع سیاسی و اقتصادی کشور راضی نبوده و امی به‌وقوع تحولی داشتند تا از زیر این فشار طاقت‌فرسا رهایی یابند. نظر عمومی نسبت به قرارداد ۱۹۳۳ این بود که قرارداد مزبور به ایران تحمیل شده و باید در اولین فرصت آن را تعدیل و اصلاح نمود. نفت به‌طوری که مردم انتظار داشتند صرف بهبود وضع اقتصادی توده مردم نمی‌شد و بهره‌ای از آن نصیب اکثریت جامعه نمی‌گردید. منابع نفت خاورمیانه بین سرمایه‌داران آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی تقسیم شده بود و از آن بهره‌برداری می‌کردند. در شمال ایران شوروی بر منابع نفتی تسلط داشت و آلمان نازی در پی فرصتی بود که سیاست خود را در خاورمیانه مستقر کرده و منابع نفت منطقه را از رقیبان خود بگیرد (فاتح، ۱۳۳۵: ۳۵۰).

در سال‌های جنگ دوم بین‌الملل تقاضای روز افزون برای نفت، غربیان را وادار نمود که برای کسب امتیاز نفتی بیشتری به ایران رجعت نمایند. در آستانه دومین جنگ جهانی، انگلیسی‌ها در حوزه خلیج فارس نزدیک به ۸۰ درصد و آمریکایی‌ها ۱۴ درصد نفت استخراج می‌کردند (والسیلیف، ۱۳۵۸: ۱۷) و این امر باعث گردید بیش از همه آمریکایی‌ها متمایل به سهیم شدن در نفت ایران گردند. انگلیسی‌ها نیز که در این گونه موارد هرگز از رقبای خود

عقب نمی‌ماندند، نماینده خود را به منظور کسب امتیاز روانه ایران کردند و وی به همراه نماینده شل آمریکایی تلاش خود را آغاز نمود. دولت ایران که تمایل شدیدی به انعقاد قرارداد نفتی با آمریکا داشت تا بدین شکل نفت را از انحصار انگلیسی‌ها درآورد، مذاکرات خود را با نماینده آمریکا آغاز نمود. لیکن روند وقایع به سمتی رفت که این امتیاز تحصیل نگردید و پس از آن حوادثی در ایران رخ داد که نفت را به نهضت ملی شدن هدایت نمود (سیمیر، ۱۳۸۷: ۲۵).

سطور فوق‌نمایی از وضعیت اقتصادی ایران در دوران پهلوی اول است که اشغال ناشی از جنگ جهانی دوم آن را دستخوش دگرگونی عمیقی نمود. بر اثر اشغال، روابط بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی محدود و مسدود شد، حمل و نقل بازرگانی از راه‌های دریایی غیرعملی گردید، میزان معاملات خارجی کاهش عمده‌ای یافت و در نتیجه آن، واردات ضروری مانند قند، شکر، غله و دارو نایاب شده و نیز صدور کالاهای ایرانی به خارج دچار رکود کامل گردید و بدین گونه بر همه ارکان اقتصادی کشور آسیب‌هایی وارد گردید که منجر به تشدید بحران اقتصادی ایران و گامی به عقب بود. هرچند اقتصاد ایران در برخی وجوه خود پیش از اشغال نیز دارای نقاط ضعفی بود که به آن اشاره شد اما اشغال ایران این کاستی را شدیدتر کرده تبدیل به بحران بگرنجی برای دولت و ملت نمود.

۳- صنایع ایران در دوران اشغال

در روند صنعتی شدن ایران، کشور آلمان نقش به‌سزایی ایفا کرد و غالب کارخانجاتی که در ایران تأسیس شد از نوع آلمانی بوده و توسط متخصصین این کشور راه‌اندازی شد. از این رو صنعت ایران به نوعی وابستگی نسبی به ورود کالا از آلمان پیدا کرد. با آغاز جنگ جهانی دوم در حالی که هنوز این وابستگی به قوه خود باقی بود، کشور توسط متفقین اشغال شد و به‌وجود آمدن شرایط جنگی در ایران بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر سوء گذاشت و صنایع نیز از این تأثیر دور نمانده و اتفاقاً به واسطه متوقف شدن روند ورود کالاهای مورد احتیاج صنایع به ایران، ضربه مهلکی خورد به گونه‌ای که غالب صنایع ایران را با خطر تعطیلی و نابودی مواجه ساخت.

در واقع با آغاز جنگ، صنعت ایران از دو سو به مخاطره افتاد؛ یکی از جهت سفارشات

که برای رفع احتیاجات صنایع به آلمان داده شده بود که قیمت آنها بعضاً پرداخت شده بود و بعد از اشغال تکلیف آنها نامشخص ماند و دیگر احتیاجاتی که صنایع از نظر لوازم یدکی داشتند و دولت می‌بایست در شرایط جنگی به‌دنبال راهی برای رفع آن می‌گشت. در مورد اول مقدار زیادی از ماشین‌ها و دستگاه‌هایی که دولت یا مردم قبل از اوت ۱۹۴۱ از آلمان خریده و هزینه آن را پرداخته بودند در آلمان و یا در روسیه مانده و با وجود کوشش دولت دسترسی به آنها امکان‌پذیر نگردید (ایران در اشغال متفقین مجموعه اسناد و مدارک، ۱۳۷۱: ۵۰۳). تنها اقدامی که دولت ایران برای وصول طلب خود توانست انجام دهد، تصرف پنج کشتی متعلق به کمپانی کشتی رانی هانزالاین^۱ بود که در بندر شاهپور متوقف گشته بود. ارزش این کشتی‌ها حدود ۲۲ میلیون مارک بود و ایران آن را مقابل وجهی که آلمان به او مدیون بود برداشت (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزرات خارجه ایران، سال ۱۳۱۸، کارتن ۱۶، پرونده ۳۱، شماره سند ۲). در خصوص مسأله دوم در این زمان به لحاظ اقتصادی و صنعتی، انگلستان و آمریکا تنها کشورهایی بودند که می‌توانستند جایگزین آلمان شوند. اما امکان برقراری ارتباط اقتصادی و مبادلاتی با این دو کشور آن گونه که با آلمان برقرار گشته بود، وجود نداشت (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۸۳). دولت ایران صورت احتیاجات صنعتی خود را چندین بار به نمایندگان انگلستان و مامورین وام و اجاره اعلام نمود، اما پاسخی از جانب آنان دریافت نکرد. آن مقدار از کالاها هم که در بازار و انبارها ذخیره بود به تدریج مصرف گشت و بسیاری از کارخانجات را به ورطه تعطیلی کشاند (ایران در اشغال متفقین مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۷۱: ۵۰۳). انگلستان به دلیل درگیری در جنگ و قرار گرفتن صنایع این کشور در خدمت اهداف نظامی، قادر به برطرف کردن نیازهای صنعتی ایران نبود. این کشور حتی به بهانه جنگ از انجام تعهدات اقتصادی خود به ایران در زمان پیش از جنگ نیز سرباز زد (شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۹: ۸۳). در چنین شرایطی بود که ایران در شهریور ۱۳۳۰ تحت اشغال قرار گرفت و این اشغال تأثیر به‌سزایی بر صنایع کشور گذاشته و به تبع آن روند صنعتی سازی را با اشکال مواجه نمود.

1- Hanza line

۴- پیامدهای اشغال ایران بر صنایع

۱- عدم صدور مواد اولیه و قطعات یدکی دستگاه‌ها، باعث تعطیلی برخی از کارخانجات گردید. کارخانه نساجی فارس که برخی از قطعات دستگاه‌های ریسندگی خود را از آلمان خریداری می‌کرد به واسطه نرسیدن این قطعات تعطیل گردید (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پرونده ۱۷۸، شماره سند ۲). کارخانه‌های حریربافی چالوس، پارچه‌بافی و ریسندگی شاهی، گونی‌بافی شاهی و پارچه‌بافی بهشهر به واسطه نرسیدن ذغال دچار وقفه گردیدند و کارخانه‌های آذربایجان تا مدت زیادی همچنان تعطیل باقی ماندند (همان، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۳، پرونده ۹۱، شماره سند ۲). در اثر اشغال تمام کوره‌ها و دستگاه‌های کارخانه بلورسازی تعطیل و از این راه زیان غیر قابل جبرانی به این کارخانه وارد گردید (روزنامه اطلاعات، شماره ۳۸۰۲، ۱ اسفند ۱۳۲۰: ۳).

۲- ناامنی داخلی نیز به تسریع در بسته شدن کارخانه‌ها کمک کرد. برخی از کارخانجات تحت تأثیر واقعه شهریور ۱۳۲۰ قرار گرفته و در روند عادی آن‌ها اختلالاتی پدید آمد. کارخانه‌هایی که نزدیک به تهران بودند و از طریق تماس تلفنی از وضعیت مطلع شدند مانند کارخانه‌های قند کرج، کهریزک، کارخانه سیمان، صابون و گلیسیرین، ذوب مس، لطمه کمتری دیدند. اما کارخانه‌های واقع در شهرستان‌ها مثل کارخانه قند میاندوآب، شاه زند شاه آباد، آبکوه، کارخانه اشباع تراورس شیرگاه در روزهای اول شهریور به واسطه حوادث ناشی از اشغال، ارتباط عادی خود را با پایتخت از دست دادند و در روند اداره آنها بی‌نظمی و اختلال بروز نمود. هرچند پس از مدت زمانی به تدریج مشکلات آن‌ها حل گردید و با رسیدن مواد اولیه و وسایل باربری به این کارخانجات روند تولید آنها از سر گرفته شد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۳، پرونده ۹۱، شماره سند ۲).

۳- وقوع جنگ موجب آشفتگی و بی‌نظمی در مؤسسات تولیدی ایران گردید. با شروع جنگ به‌طور مداوم شاهد اعتراض و اعتصاب در کارخانه‌های ایران هستیم. بیکار شدن کارگران در اثر وقوع جنگ و تعطیلی برخی صنایع، عدم پرداخت مزد به کارگران در حال کار، افزایش ساعات کار کارگران به‌واسطه شرایط جنگی و تحریکاتی که توسط برخی گروه‌های حزبی صورت می‌گرفت از مهم‌ترین عوامل این اغتشاشات می‌باشد (سازمان اسناد

ملی ایران، شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۵).

سفارت آمریکا در اوت ۱۹۴۲ برابر با شهریور ۱۳۲۱، درباره وضع زندگی کارگران ایرانی چنین گزارش داد:

«دستمزدها بی‌گمان برای امرار معاشی که از زندگی خشک و خالی والاتر باشد بسنده نیست و برای کارگر معمولی روزانه چهار تا ده ریال است. می‌توان گفت که با این دستمزد یک لقمه نان سفید خریده می‌شود یا هر کارگر روزانه ۳ تا ۷ ریال باید برای خوراک خودش بپردازد. بدینسان دیده می‌شود که دستمزد برای حتی غذای یک خانواده بسنده نیست و بیشتر کارگران با خوراکی مرکب از چای (غیرسفید) نان، پنیر و پیاز و گاه سبزی و انگور و هر یک چندی برنج و گوشت ارزان نیمه گرسنه به‌سر می‌برند. خرید جامه و حتی داشتن رویایی تجملاتی مانند به مدرسه رفتن کودکان کارگران میسر نیست. گاه تنها زن یا زنان متعدد مرد کارگر با کودکانشان برای تحصیل درآمد اضافی و فراهم آوردن امکان زندگانی اندکی مطلوب‌تر به کار می‌پردازند.» (فلور، ۱۳۷۱: ۱۴۳-۱۴۴).

وضعیت کارگران در این زمان اسفناک بود. به‌طوری که در تهران عموماً در گودال‌هایی در جنوب شهر زندگی می‌کردند و از خاک این گودال‌ها برای تهیه آجر استفاده نموده و به مرور زمان در آنجا خانه‌هایی می‌ساختند. در طول جنگ، حدود ۲۰ هزار نفر از کارگران بی‌بضاعت تهرانی در این گودالها به وضع رقت‌آوری زندگی می‌کردند (روزنامه اطلاعات، شماره ۵، ۵۱۵۵، ۵ اردیبهشت ۱۳۲۲: ۱). متفقین نیز کارگران ایرانی را استثمار و از آنان برای تدارک جنگ استفاده می‌نمودند. نزدیک به ۱۲۵ هزار کارگر ایرانی، در بخش‌های حمل و نقل و کارخانه‌های مختلف مونتاژ با دستمزد بسیار ناچیز به خدمت متفقین درآمدند که مبلغ دستمزدشان از بودجه دولتی ایران پرداخت می‌گردید. در واقع بدون تلاش این کارگران و سوءاستفاده از این نیروی عظیم، کمک‌رسانی به شوروی از طریق ایران غیرممکن بود (زهیری، ۱۳۷۹: ۳۳۱). پس نیروهای اشغالگر نه تنها امکانات زندگی و ثروت مردم ایران را غارت کردند، بلکه افراد بسیاری را به بیگاری گرفته، و آنان را در شرایط بسیار سختی وادار به کار نمودند. با نزدیک شدن پایان جنگ، نیاز متفقین به کارگران ایرانی کاهش یافت و در

واقع بعد از بیگاری‌های که از کارگران ایرانی کشیدند، آنان را بدون هیچ پشتوانه‌ای مرخص و رها کردند؛ برای مثال در قزوین، حدود سه‌هزار نفر از این کارگران، در زمستان ۱۳۲۳ از کار بیکار شدند که عده‌ای از آنان هر روز دسته جمعی، به فرمانداری شهر مراجعه نموده، تقاضای کار می‌کردند (ایران در اشغال متفقین مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۷۱: ۵۸۱). گذشته از کارگرانی که در داخل کشور در خدمت متفقین بودند، ماموران شوروی از منطقه تحت اشغال خود، در شمال و شمال غرب ایران، عده زیادی از کارگران جوان را برای کارگری اجیر کرده و به خاک شوروی فرستادند (همان، ۲۹۶).

وضعیت نابسامانی که کارگران دچار آن شده بودند آنان را واداشت که دست به شورش و اعتصاب بزنند؛ برای مثال در آبان و آذر ۱۳۲۰ (نوامبر و دسامبر ۱۹۴۱)، کارگران کارخانه نساجی بهشهر، کارخانه و شهر مزبور را به تصرف خود درآورده و شورش کردند؛ مسئولان این کارخانه فرار کردند و کارگران که کارخانه را بی‌سرپرست و در خطر نابودی می‌دیدند، ضمن تشکیل اتحادیه‌ای اداره آن را در دست گرفتند (خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۶۰). بعد از مدتی، روسای کارخانه مراجعت کردند. کارگران که وجود ارتش شوروی را به‌عنوان مانعی در جهت زورگویی نیروهای شهربانی و امنیتی می‌دانستند، در برابر روسای قبلی مقاومت کردند. اما آنان با کمک شهربانی و امنیه، راه آذوقه را به روی کارگران بستند؛ در نتیجه کارگران در ۳۰ آذر (۲۱ دسامبر)، کامیون حامل برنج نیروهای گران را مصادره و میان خود پخش کردند. روز بعد ماموران، برای بازداشت عاملان، اقدام نمودند و دو نفر از آنان را دستگیر کرده و به شهربانی بهشهر بردند؛ در همین حین دیگر کارگران، به‌وسیله سوت خطر کارخانه اجتماع و به ماموران حمله کردند که در اثر تیراندازی دو نفر از آنان کشته شدند (خامه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۶۰). دولت نه تنها به حمایت از کارگران برنخاست و تلاشی در جهت بهبود وضعیت آنان نکرد بلکه در ۲۴ تیر ۱۳۲۱ (۱۵ ژوئیه ۱۹۴۲)، محاکمه ۲۴ نفر از کارگران کارخانه نساجی بهشهر را در دادگاه جنایی آغاز نمود و در این دادگاه، ۱۴ نفر از متهمان را تبرئه و ۱۰ نفر دیگر را به سه ماه حبس محکوم کرد (خامه‌ای، ۱۳۷۲: ۲۷۹). از این پس اعتراضات کارگری همه‌گیر گردید. در کارخانه پارچه‌بافی شاهی اغتشاشات منجر به تعطیلی کارخانه، بیرون کردن رییس آن، شکستن درها و پنجره‌های ساختمان‌ها و به غارت بردن اموال گردید (سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۴۷۱۲-۲۹۳، محل در آرشیو

نامشخص، سند شماره ۲). مشابه این اقدامات در کارخانه‌های گونی بافی و برنج‌کوبی شاهی نیز صورت گرفت (همان، شماره سند ۱). در سوم دیماه ۱۳۲۳ (۲۴ دسامبر ۱۹۴۴) کارگران کارخانه ریسندهی خوزستان برای تقلیل ساعات کار و افزایش مزد اعتصاب نمودند (همان، شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۳۳). در کارخانجات اصفهان اعتصاب‌ها منجر به تعطیلی طولانی مدت کارخانه‌ها و مجروح شدن بیش از ۶۰ کارگر گردید (روزنامه رعد امروز، شماره ۱۴۴، ۷ اردیبهشت ۱۳۲۳: ۱). یک کشته و هشت مجروح نتیجه واقعه ۱۹ آبان ۱۳۲۵ (۱۰ نوامبر ۱۹۴۶) در راه آهن تهران بود که به تبع این واقعه غالب کارگران شهر تهران به‌منظور همدردی با کارگران راه آهن دست به اعتصاب زدند (روزنامه ظفر، شماره ۳۹۷، ۲۱ آبان ۱۳۲۵: ۱). بی‌توجهی به آسیب‌های وارده به کارگران در حین کار توسط مسئولین از عواملی گردید که در مطبوعات زمان جنگ آشوب زیادی برپا نمود. از آن جمله حادثه‌ای است که در کارخانه آجر فشاری «بهسازی» منجر به مرگ یکی از کارگران گشت و بی‌توجهی کارفرما به این حادثه خیرساز شد (روزنامه ندای حقیقت، شماره ۴، ۱۴ بهمن ۱۳۲۴: ۱). همانطور که گفته شد علت عمده این اعتراضات وضعیت بد دستمزد در مقابل کار زیاد این کارگران بود. گفته شده که در تمام مدت جنگ مزد کارگران معمولی شرکت نفت جنوب از ۱۰ الی ۱۲ ریال تجاوز نمی‌کرد (روزنامه جبهه، شماره ۵، ۱۶۰ خرداد ۱۳۲۵: ۱). دولت برای حل این بحران و کسب رضایت کارگران در جلسه ۲۰ آبانماه ۱۳۲۱ (۱۱ نوامبر ۱۹۴۲) قانونی را به تصویب مجلس رساند که بر اساس آن «حداقل مزد روزانه کارگران کارخانجات به قسمی تعدیل گردد که تهیه مقدار لازم خوراک روزانه و سایر مایحتاج اصلی هر کارگر را تکافو نماید» و صاحبان کارخانجات موظف شدند که نیازهای اولیه زندگی کارگران را به نرخ مناسبی تهیه و به کارگران بفروشند. در این قانون نرخ دستمزد کارگران کارخانجات مختلف بر اساس ساعات و زمان کار ذکر شده است (کیوانی، ۱۳۲۱: ۱۱). برخی صاحبان کارخانه‌ها نیز به‌دنبال بهبود اوضاع کارگران طی بیانیه‌ای از دولت خواستار ایجاد شرایطی در جهت بهبود وضع کارگران شدند. از جمله مهمترین خواسته‌های آنان انتخاب روسای اتحادیه از طرف عموم کارگران بر طبق اصول دموکراسی با رای مخفی، عدم مصرف وجوهی که به عناوین مختلف از کارگران اخذ می‌شد به مصارفی غیر آن و عدم فعالیت سیاسی توسط اتحادیه‌های صنفی بود (روزنامه

باختر، شماره ۲۶۶، ۹ اردیبهشت ۱۳۲۳: ۱). مطبوعات از سود سرشاری که برخی کارخانجات در طی جنگ بدست آوردند سخن به میان آوردند. آنان کارخانجات ریسمان اصفهان را به عنوان نمونه ذکر کردند که پنبه را با قیمت نازلی از دولت می خرد و محصول خود را با قیمت گزافی می فروشد (روزنامه صدای ایران، شماره ۸۱، ۲۸ خرداد ۱۳۲۱: ۱).

اذیت و آزار کارگران و اجحاف در حق آنان تا آخرین روزهای جنگ ادامه داشت، چنان که در روز ۲۸ فروردین ۱۳۲۴ (۱۷ آوریل ۱۹۴۵) تعداد زیادی از عمده‌ها و کارگران کوره‌های آجرپزی جنوب تهران، به علت کمی دستمزد و تخلف صاحبان کوره از پرداخت مزد معین آنان، به تحریک چند نفر از سردسته‌های خود اعتصاب کردند. در پی این اعتصاب، زد و خوردی رخ داد که عده‌ای از صاحبان کوره‌ها با کمک ماموران شهربانی از منازعه جلوگیری و چند کارگر را دستگیر کردند (تفرشی، ۱۳۷۱: ۳). براساس منابع در برخی از این اعتصابات رد پای عوامل حزب توده مشاهده می‌گردد. هرچند در بسیاری موارد رسماً از جانب آنان آموزشی به کارگران داده نشد اما بی‌شک سخنرانی‌های ایشان در میان این طبقه در وقوع اعتصاب موثر بوده است (سازمان اسناد ملی ایران، شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۲۲).

۴- عدم فروش محصولات کارخانه‌ها و صنایع داخلی ایران از دیگر تبعات جنگ جهانی دوم در ایران است. عدم موازنه در صادرات و واردات کشور باعث گردید که محصولات داخلی بازار فروش نیابند. زیرا محصولات خارجی به مقادیر بالایی وارد کشور می‌گردید و چون قیمت آن‌ها مناسب‌تر از محصولات داخلی بود، خریدار بیشتری داشت و قدرت رقابت را از تولیدات ملی می‌گرفت. به همین دلیل تولیدات داخلی ایران به فروش نرفت تا جایی که گفته شده در سال ۱۳۲۵ معادل چهار سال مصرف مس کشور، متجاوز از ۵۰۰ هزار متر حریر محصول کارخانه چالوس و مقادیر زیادی از فرآورده‌های معادن کشور در انبارها بدون بازار فروش ماند (روزنامه اطلاعات، شماره ۶۰۵۷، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۵: ۱). مطبوعات از بحران در کارخانجات اصفهان سخن می‌گویند. «کارخانجات پارچه اصفهان خریداری ندارد و آنچه کارخانه‌ها کار می‌کنند روی هم انبار شده تبدیل به اسکناس و پول نمی‌شود» (روزنامه داد، شماره ۲۶۶، ۶ مهر ۱۳۲۳: ۱).

مقایسه وضعیتی که کارخانجات در آستانه جنگ داشتند با سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۴۰ که ایران در آتش اشغال می‌سوخت به خوبی اثرات منفی جنگ را بر این عرصه از حیات اقتصادی ایران نشان می‌دهد. در حالی که بهای کل صنایع و کارخانجات ایران در سال‌های ۱۹۳۷-۱۹۳۶ بالغ بر ۶۱۰ میلیون ریال برآورده شده است در سال‌های جنگ این مقدار به ۳۵۶ میلیون ریال تنزل می‌یابد (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲، کارتن ۱۲، پرونده ۵۴، شماره سند ۱۵). در سال آخر جنگ که کنترل دولت مرکزی بر ایالات مختلف نسبتاً بسط یافته بود کوشش‌هایی برای اجرای سیاست صنعتی هماهنگ با سیاست اقتصادی کلی کشور به عمل آمد و به‌همین منظور دولت، بانک صنایع و معادن را که حدود صد کارخانه و معادن دولتی را تحت پوشش می‌گرفت، تأسیس کرد. این بانک اداره مستقیم کارخانجات و معادن دولتی را برعهده داشت و ضمناً کارخانه‌های بخش خصوصی را فقط در حد تهیه مواد خام و تهیه برنامه تولید و فروش محصولات راهنمایی می‌کرد. بانک مذکور علاوه بر این، وظیفه حمایت از بخش کشاورزی را که بخشی از نیروی انسانی خود را در نتیجه جریان صنعتی شدن کشور به‌صورت مهاجر از دست داده بود، برعهده داشت. در نهایت اینکه این بانک توانست در ایام صلح منشأ کارهای مؤثری در بهبود وضع صنایع و معادن کشور شود. اقدام دیگر در زمینه صنایع و معادن تأسیس یک کارخانه پنبه‌نسوز بود. محصولات این کارخانه فقط به مصرف نیازهای داخلی می‌رسید. از تولیدات این کارخانه در صنایع راه‌آهن، کارخانه‌های سیمان، اسلحه‌سازی، کارخانه‌های قند و کارخانه‌های مولد نیرو استفاده می‌شد (صدرنوبی، ۱۳۶۹: ۷۴).

به‌طور کلی در ایام جنگ در زمینه صنایع اقدامی جز تأسیس بانک صنایع و معادن و تأسیس کارخانه پنبه‌نسوز صورت نگرفت و روی هم رفته سیاست صنعتی ایران در دوره جنگ به سبب شرایط خاص ناشی از ورود متفقین، از جمله تغییر پی‌درپی دولت‌هایی که هرکدام بخش اعظم سیاست‌های دولت قبل از خود را به کلی نفی می‌کردند، از توفیق چندانی برخوردار نبود.

۵- خسارات وارده بر صنایع

با توجه به آماری که توسط وزارت بازرگانی و پیشه و هنر منتشر گردیده است تعداد

زیادی از کارخانه‌های کشور که زیر نظر این وزارتخانه بودند، خسارات قابل توجهی دیدند. برآورد این خسارات در چند بخش قابل بررسی است. افزایش بهای مواد اولیه، کاهش محصول نسبت به پیش از اشغال ایران، خساراتی که در اثر نرسیدن لوازم یدکی کارخانجات ایجاد شده و در آخر خساراتی که در امر ساختمان سازی به کارخانجات وارد گردیده از این جمله است. در این میان کارخانه ذوب فلزات مبلغ ۱۳۷۰۰۰۰۰۰ ریال از بابت نرسیدن لوازم یدکی و مبلغ ۳۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال خسارت به بناهای خود را تحمل نمود که در مجموع زینای بالغ بر ۴۱۳۰۰۰۰۰۰ ریال را شامل گردید. در صنعت قند سازی کارخانجات قند کهریزک، مرودشت، ورامین و کرج آسیب‌های جدی دیدند. در مجموع مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ ریال بابت افزایش بهای مواد اولیه، مبلغ ۱۷۵۴۴۵۰۰۰۰ ریال به واسطه کاهش محصول نسبت به سال ۱۳۲۰، مبلغ ۹۶۶۴۸۵۶ ریال خسارت در اثر نرسیدن لوازم مورد احتیاج کارخانجات و ۲۵۰۰۰۰۰ ریال آسیب به بناها مجموع خساراتی است که به کارخانجات قند نامبرده و این صنعت در کشور وارد آمد. کارخانجات سیمان، نساجی، صابون، پیل الکتریک، آمونیاک و... نیز خسارات زیادی در اثر شرایط جنگی متحمل شدند که در مجموع مبلغ ۱۴۵۲۲۴۳۹۲۴ ریال خسارت بر چهره صنعت ایران برجای گذاشت (همان، سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۱).

در بخش صنعت علاوه بر خساراتی که به‌طور ناخواسته و در اثر عوامل یاد شده به صنایع ایران وارد گردید بسیاری از کارخانجات به دلخواه و یا از روی اکراه کمک‌های بیشماری نیز به متفقین در سال‌های جنگ کردند که مجموع آنها مبلغ قابل توجهی بود که خود تأثیر وافر بر صنعت ایران داشت. بیش از پنجاه ساختمان تمام و نیمه تمام توسط کارخانجات نساجی و گونی بافی و کنسرو و... به نیروی‌های شوروی واگذار گردید. علاوه بر آن کارخانجات نامبرده بیش از ۳۴۴۰۸۵ متر پارچه، ۱۰۳۴۹۸۳/۲۰ متر لفاف توسط گارخانه گونی‌بافی، ۱۲۱۷۶۶۸ قوطی کنسرو، ۱۱۹۴۹ متر نخ و... به نیروی شوروی یاری رساند که مجموع آنها مبلغ ۱۵۵۵۰۰۴۱/۸ ریال برآورد گردید. نیروهای بریتانیایی و آمریکایی نیز از یاری‌رسانی صنایع ایران بی‌بهره نماندند و طبق آمار مشابه کمک‌هایی که به ارتش شوروی گردید، اجناسی از همین دست نیز به ارتش بریتانیا واگذار شد که مبلغ ۱۱۶۶۶۱۳۷/۲ ریال را در بر می‌گرفت که در کنار ۱۹۶۱۹۵۲ ریال مبلغ کمکی که به آمریکا شد و نیز

ساختمان‌های واگذار شده و سایر کالاها که هزینه آن توسط این کارخانجات محاسبه نگردیده مانند برق، در مجموع مبلغ ۳۶۸۸۲۸۸۱۰۵ ریال توسط کارخانه‌های تابعه وزارت بازرگانی و پیشه و هنر به کلیه نیروهای متفق در کشور کمک گردید (همان، شماره سند ۱۰۴).

وزارت جنگ که نظارت بر کارخانه‌های اسلحه‌سازی را بر عهده داشت، به‌طور ویژه به متفقین خدمات رسانی کرد. مقادیر زیادی تفنگ، مسلسل، فشنگ، هواپیما و لوازم یدکی آن در اختیار متفقین قرار گرفت که ۱۰۰۰۰۰۰ قبضه تفنگ برنو، ۸۰۰ مسلسل سبک، ۴۰۰ مسلسل سنگین، ۱۰۰۰۰۰۰۰ فشنگ جنگی، ۵ فروند هواپیمای کورتیل، ۶۰ قبضه مسلسل کلت از آن جمله است. در کنار این کمک‌ها، کارخانه اسلحه و مهمات‌سازی پارچین، کارخانه سلطنت آباد و کارخانه شهپاز نیز به‌طور کامل در اختیار متفقین قرار گرفت و این همه تنها بخشی از کمک‌هایی است که توسط صنایع وزارت جنگ به متفقین گردید (همان، شماره سند ۱۰۶). علاوه بر کمک‌هایی که به متفقین گردید آنها سفارشات نیز به کارخانه‌های تحت نظارت وزارت جنگ داده‌اند که مبلغ کلانی از بودجه وزارت جنگ را به خود اختصاص می‌داد (همان، شماره سند ۱۰۷). وزارت جنگ خود نیز در پی اشغال ایران خسارات زیادی که غالباً از نوع جنسی و ساختمانی بودند متحمل گردید که برای آن مبلغ مشخصی برآورد نشده است (همان، سندهای ۱۰۸ تا ۱۱۱).

ذکر این نکته ضروری است که آنچه در آمار از صورت خسارات موجود است همگی مربوط به کارخانجاتی است که تحت نظارت دولت است و شامل صنایع شخصی و آسیب‌هایی که به آنان وارد شده نمی‌گردد. لیکن در مجموع مقایسه وضعیتی که کارخانجات در آستانه جنگ داشتند با سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۱ که ایران در آتش اشغال می‌سوخت به خوبی اثرات منفی جنگ را بر این عرصه از حیات اقتصادی ایران نشان می‌دهد.

نتیجه

صنعتی شدن ایران خود به تنهایی نمود بارزی از تلاش برای تولید محور شدن اقتصاد می‌باشد. هرچند صنعت ایران از نوع وارداتی بود اما گام بزرگی در جهت خودکفایی صنعتی ایران به شمار می‌آمد. هنوز مدت زیادی از اقدامات رضاشاه در خصوص ایجاد و توسعه

صنایع کشور نگذشته بود که ایران درگیر در جنگ ناخواسته جهانی گردید و به یکباره همه تلاش‌ها ناتمام و بی‌فرجام ماند. صنایع و کارخانجات کشور همانند سایر بخش‌های کلیدی اقتصاد از آسیب‌های اشغال در امان نماند. ناامنی داخلی در روزهای شهریور ۱۳۲۰ باعث تعطیلی برخی از کارخانجات شد که این تعطیلی بعضاً سال‌ها ادامه یافت. زیرا عدم دسترسی به مواد اولیه و قطعات یدکی دستگاه‌ها مانعی بزرگ بر سر راه تولید ایجاد کرده بود. تعطیلی صنایع، بیکار شدن کارگران را به دنبال داشت و در مواردی هم که برخی کارخانجات همچنان به تولید مشغول بودند عدم پرداخت مزد کارگران و افزایش ساعات کار آنها منجر به اعتصابات کارگری در بسیاری از شهرهای ایران گردید. از دیگر تبعات اشغال بر صنایع کشور، می‌توان به عدم فروش محصولات کارخانه‌ها و صنایع داخلی ایران اشاره داشت که عدم موازنه در صادرات و واردات کشور باعث شد که محصولات داخلی بازار فروش نیابند، زیرا محصولات خارجی به مقادیر بالایی وارد کشور می‌گردید و چون قیمت آن‌ها مناسب‌تر از محصولات داخلی بود، خریدار بیشتری داشت و قدرت رقابت را از تولیدات ملی گرفت. به همین دلیل تولیدات داخلی ایران به فروش نمی‌رفت و ازین رهگذر آسیب جدی به اقتصاد صنعتی کشور وارد گردید. با اشغال کشور فرایند صنعتی‌سازی ایران متوقف و در برخی موارد به واسطه شرایط جنگی نابود گشت. دولت ایران در قبال این مشکل نه تنها نتوانست اعتراض کند، بلکه در موارد بیشماری ناچار از به کار بردن توان صنعتی خود در جهت اهداف متفقین گردید.

منابع

اسناد

- سازمان اسناد ملی ایران
- شماره مدرک ۱۰۷۰۳-۲۴۰، محل در آرشیو ۷۰۲ ط ۱۱ آ، سند شماره ۱۰۳.
- شماره مدرک ۲۸۵۹-۲۴۰، محل در آرشیو ۳۴۰۳ ط ۱۱ آ، سند شماره ۱۸.
- شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۵.
- شماره مدرک ۴۷۱۲-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۲.
- شماره مدرک ۴۷۱۲-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۱.
- شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۳۳.
- شماره مدرک ۲۰۴۹-۲۹۳، محل در آرشیو نامشخص، سند شماره ۲۲.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران.
- سال ۱۳۱۸، کارتن ۱۶، پرونده ۳۱، شماره سند ۲.
- سال ۱۳۱۸، کارتن ۱۶، پرونده ۳۵.۲، شماره سند ۱۱۸.
- سال ۱۳۱۹، کارتن ۲۵.۱، پرونده ۱۴، شماره سند ۱۲۶.
- سال ۱۳۱۹، کارتن ۲۵.۱، پرونده ۲۶، شماره سند ۷۰.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۱.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۴.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۶.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۷.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۸.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۰۹.

- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۱۰.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۱۶، پرونده ۵۶، شماره سند ۱۱۱.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۲، پرونده ۱۷۸، شماره سند ۲.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۳، پرونده ۱۵، شماره سند ۲۶.
- سال ۱۳۲۰، کارتن ۵۳، پرونده ۹۱، شماره سند ۲.
- سال ۱۳۲۲، کارتن ۱۲، پرونده ۵۴، شماره سند ۱۵.
- سال ۱۳۲۲، کارتن ۵۳، پرونده ۱۵، شماره سند ۵۳.

کتابها

- آدمیت، فریدون (۱۳۴۸)، *امیرکبیر و ایران*، تهران، نشر خورازمی.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران، نشر نی.
- *ایران در اشغال متفقین مجموعه اسناد و مدارک ۱۳۱۸ تا ۱۳۳۱*، (۱۳۷۱)، به کوشش صفاءالدین تبراییان، تهران، نشر دیبا.
- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۵۶)، *نفت و سلطه*، تهران، نشر مصدق.
- نفرشی، مجید و محمود طاهر احمدی (۱۳۷۱)، *گزارش‌های محرمانه شهرداری ۲۶-۱۳۳۴*، جلد ۱، تهران، نشر سازمان ملی اسناد.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۸۴)، *گنج‌های سایگان*، تهران، نشر سخن.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲)، *خاطرات سیاسی دکتر انور خامه‌ای*، تهران، نشر گفتار.
- خامه‌ای، انور (۱۳۸۱)، *سال‌های پراشوب*، تهران، نشر فرزانه روز.
- خلیلی‌خو، محمد رضا (۱۳۷۳)، *توسعه و نوسازی ایران در دوره رضا شاه*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- زنگی آبادی، فریبا (۱۳۸۷)، *سیر تحول نساجی در ایران از آغاز تا کنون*، کرمان، نشر ودیعت.

- زهیری، علیرضا (۱۳۷۹)، *عصر پهلوی به روایت اسناد*، قم، دفتر نشر و پخش معارف.
- عیسوی، چارلز (۱۳۶۲)، *تاریخ اقتصادی ایران، قاجاریه ۱۲۱۵-۱۳۳۲*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره.
- فاتح، مصطفی (۱۳۳۵)، *پنجاه سال نفت ایران*، تهران، نشر شرکت سهامی چهر.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران (اتحادیه‌های کارگری و قانون کار در ایران)*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، نشر توس.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، *تاریخچه مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- والسلیف، الکسی (۱۳۵۸)، *مشعل‌های خلیج فارس*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، نشر کتابهای جیبی.

مقالات

- احتشامی، ابوالحسن (دی ۱۳۲۱)، «کارخانجات نساجی»، *مجله اقتصاد*، اداره انتشارات و مطبوعات وزارت بازرگانی پیشه و هنر، سال پنجم، شماره دهم.
- رشیدی، علی (اسفند ۱۳۷۰)، «اوضاع اقتصادی و سیاست‌های پولی و ارزی ایران در سالهای جنگ جهانی دوم»، *مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۵۴.
- سیمبر، فرشید (خرداد ۱۳۸۷)، «هشتاد سال امتیاز نفتی»، *ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر*، سال ۷، شماره ۶۹.
- شجاعی دیوکلائی، سیدحسن (تابستان ۱۳۸۹)، «پیامدهای جنگ جهانی دوم بر سیاست صنعتی سازی در ایران»، *فصلنامه تاریخ ایران*، شماره ۶۵.
- صدر نبوی، رامپور (۱۳۶۹)، «وضع صنایع ایران در جنگ دوم جهانی»، *مجله تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۱۸.
- «صنعت قند سازی»، *نامه اقتصاد و بازرگانی*، اداره نشریات وزارت بازرگانی و پیشه و هنر، تهران، شهریور و مهر ۱۳۲۱.

- کسمائی، علی اکبر (دی ۱۳۲۱)، «اقتصاد و جنگ»، *مجله اقتصاد*، اداره انتشارات و مطبوعات وزارت بازرگانی پیشه و هنر، سال پنجم، شماره دهم.
- کیوانی، فرخ (دی ۱۳۲۱)، «کارخانجات گلیسیرین و صابون»، *مجله اقتصاد*، اداره انتشارات و مطبوعات وزارت بازرگانی پیشه و هنر، سال پنجم، شماره دهم.

مطبوعات

- اطلاعات، شماره ۳۸۰۲، ۱ اسفند ۱۳۲۰.
- اطلاعات، شماره ۵۱۵۵، ۵ اردیبهشت ۱۳۲۲.
- اطلاعات، شماره ۶۰۵۷، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۵.
- باخت، شماره ۲۶۶، ۹ اردیبهشت ۱۳۲۳.
- جبهه، شماره ۱۶۰، ۵ خرداد ۱۳۲۵.
- داد، شماره ۲۶۶، ۶ مهر ۱۳۲۳.
- رعد امروز، شماره ۱۴۴، ۷ اردیبهشت ۱۳۲۳.
- صدای ایران، شماره ۸۱، ۲۸ خرداد ۱۳۲۱.
- ظفر، شماره ۳۹۷، ۲۱ آبان ۱۳۲۵.
- ندای حقیقت، شماره ۱۴، ۴ بهمن ۱۳۲۴.